پاسخ به مصاحبه های استاد دکتر کمالیان

آقای دکتر کمالیان استاد بازنشسته و رییس انجمن آسیب شناسی، در نشریه ی سپید در یک مصاحبه فرموده است:

«چیزی که من را زجر می‌دهد وضعیت آزمایشگاه‌های این مملکت است که بازهم در این طرح سامانی نگرفته است. ما ۴۰ سال است که با این موضوع چالش داریم. این سیستم از ابتدا غلط پایه‌ریزی شده و پیش رفته است. همین سیستم معیوب است که هزینه‌های گزافی را به سیستم درمان ما تحمیل می‌کند. مسئول یک آزمایشگاه یک داروساز و یا یک دامپزشک باشد بیشتر تسلط دارد یا یک پاتولوژیست؟»

در پاسخ به سخنان این استاد، یکی از همکاران چه بجا گفته: آقای دکتر کمالیان که داروسازان و دامپزشکانی را که دارای بورد تخصص آزمایشگاه هستند، هنوز داروساز و یا دامپزشک به شمار می آورد، گویا خودش به گونه ی سرشتی پاتولوژیست بوده است. او فراموش کرده که داروساز یا دامپزشک متخصص آزمایشگاه بالینی که یک آزمایشگاه را اداره می کند، برپایه آیین نامه وزارت علوم پیشاپیش پزشکان، از آغاز تا پایان فرآیندهای علمی و اداری، از آزمون ورودی برای پذیرش دستیاری گرفته، تا گذراندن دوره رزیدنتی و سرانجام امتحان بورد تخصصی کشوری، همه ی فرایندهای اجباری را گذرانده و دارای پروانه رسمی است. در باره کیفیت کار هم بهتر است بجای سیاه کردن چند صفحه و آوردن فرنودهای منطقی به بازگویی یک خاطره بسنده شود.

خوشبختانه برای بازگویی این یادمان، این بار نیازی نیست که شاهد از غیب برسد، زیرا آقای استاد دکتر کمالیان خود گواه رویداد بوده است. در سال ۱۳۶۲ افتخار برگزاری آزمون عملی بورد تخصصی آزمایشگاه یا آسیب شناسی بالینی ملی به دانشگاه تهران، دربیمارستان شریعتی رسید. ریاست آن بیمارستان را آقای دکتر کمالیان داشت. گفتنی است که در آن آزمون ملی رتبه های نخست تا سوم را از آن داروساز و دامپزشک شد. بیشتررزیدنت های آسیب شناسی در آزمون عملی رد شدند. به ناچار شش ماه کلاس تقویتی برای آنان گذاشتند که بتوانند قبول شوند. استاد نیز از شیوه ی نوشتن آزمایش از سوی پزشکان ناخرسند است، چنان که گفته است: «تعداد زیادی از آزمایشاتی که توسط همکاران پزشک درخواست می شود هدفمند و برای تشخیص بیماری مشخصی صورت نگرفته و به همین جهت هزینه های زیادی را تحمیل می کند». همچنین وی، «وجود یک پزشک متخصص به عنوان پاتولوژیست را راهی مؤثر برای استفاده بهینه و به جا از تست های آزمایشگاهی دانست که می تواند حتی به عنوان مشاور در حیطه درمان بیماران نقش مهمی ایفا نماید»

آقای استاد، انگیزه و چرایی چالش های تشخیص و درمان و همچنین افزایش هزینه ها در این زمینه، تنها در نبود برنامه ریزی و مدیریت درست است. برخی از ناروایی ها نهادینه شده. در این باره سهم آسیب شناس ها کمتر از دیگران نیست.

آزمایشگاه کار گروهی است و نیاز به چندین تخصص دارد. یک نفر ولو فرهیخته ی زمان باشد، نمی تواند به تنهایی مسوولیت یک آزمایشگاه امروزی را عهده دار باشد. پیش از انقلاب در ایران، دوران آموزش رشته ی پاتولوژی تشریحی سه سال و آزمایشگاه بالینی (آسیب شناسی بالینی) نیز برای پزشکان سه سال بود. پس از انقلاب هر دو رشته در هم آمیخته شد و زمان دستیاری هر دو با هم چهار سال شد. بهر روی برای تخصص آزمایشگاه بالینی، همراه پزشکان، داروسازان و دامپزشکان نیز پذیرفته می شدند. ولی مدت دوره ی آنها به جای سه سال، چهار سال بود. شیوه ی فرایند گزینش دستیار هم در دو مرحله بود، نخست آزمون نوشتاری بود. پذیرفته شدگان در آن، سپس باید از سد مصاحبه وآزمون شفاهی نیز می گذشتند. در مصاحبه برای پزشکان ٤ امتیاز، برای دامپزشکان ۳ امتیاز و برای داروسازان ۲ امتیاز اولویت بندی در نظر گرفته می شد. در دوره ی دستیاری داروسازان و دامپزشکان، در سالی که اضافی بود، آناتومی انسانی، فیزیولوژی، بیماری های پوست و اطفال را باید می گذراندند. البته دو سال پس از انقلاب، روند گزینش دگرگون شد.

بازگویی و یادآوری این جستارها، برای کسانی که فراموش کرده اند و یا پس از انقلاب چشم به جهان گشوده اند، می تواند کمک کننده باشد. آقای دکتر کمالیان که از وضع چهل سال گذشته دل آزرده است، شاید فراموش کرده است که او و دست کم سه نفر دیگر از استادان پاتولوژیست دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی، در ریز تاکتیک ها و استراتژی های دگرگونی آموزش آزمایشگاه بالینی بوده اند. او می گوید: «همین سیستم معیوب است که هزینه‌های گزافی را به سیستم درمان ما تحمیل می‌کند».... . باید پرسید که این سیستم معیوب دستاورد چه کسانی است؟

هم اکنون متخصصانی که پایه ی دکترای آنان داروسازی و دامپزشکی است، ۳۵۰ نفر بیشتر نیستند. در برابر آنان، بیش از ۱۵۰۰ نفر پاتولوژیست وبیش از ۱۳۰۰ نفر دکترای علوم آزمایشگاهی وجود دارد (که همه دستاورد زحمت های شما و همکاران شما هستند). یعنی سهم روایی یا ناروایی برای این گروه از متخصصان کمتر از ۱۰ درصد است. آقای استاد دکتر کمالیان، داوری کنید: ۱۰ درصد در برابر ۹۰ درصد، وزنه ی کدام سنگین تر است؟